

کتاب "عرفان حافظ" اثر استاد شهید مطهری مجموعه‌ای است مشتمل بر پنج جلسه کنفرانس با موضوع حافظ که در حدود سال ۱۳۵۰ در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران ایراد شده است. این کتاب نشان دهنده وقت و نکته‌سنجی ایشان در امر تحقیق است و به سبب موضوعش از حال و هوای لطیف عرفانی برخوردار می‌باشد. استاد شهید مطهری در این کتاب، موضوعات مختلفی را مورد بحث قرار می‌دهد که مهم‌ترین بحث آن، پاسخ به منتقدانی است که حافظ را یک عرف نمی‌دانند و شمرهای تصوفی و عاشقانه او را به عنوان شهادی بر این معنا می‌آورند. اما شهید مطهری با ارائه نمونه‌هایی، این ادعاها را قفض کرده و پاسخ محکمی به آنها می‌دهد.به همین مناسبت بخشی از گفتار ایشان، پیرامون حافظ را از این کتاب نقل می‌کنیم.

در جهان اسلام اول کسی که در شعر خود مفاهیم معنوی و مذهبی و اخلاقی را به مسخره گرفت و بی‌بزرده دم از لذت و عیش و شراب و شهادت و اینها زد و مذهب خود هم جزین امور ظاهری نبود یزید بن معاویه است، و آنچه که اروپایی‌ها آن را "لیکوپورسم" می‌نامند مسلمانین باید "یزیدی‌گری" بنامند، چون اول کسی که بی‌باب را یک جهان اسلام فتح کرد یزید البته بود. البته به زید شاعری فوق‌العاده زبردست بود، خیلی شاعر باغی بوده، و دیوانش هم شنیده‌ام چاپ شده، و معروف است که قاضی ابن خلکان معروف که از علمای بزرگ اسلام و مورخ بزرگی بود، کتابش جزو اسناد تاریخی ندیای اسلام است و خودش مرد ادیبی هم هست، شیشه‌فوق‌العاده شعر یزید بوده، به خود یزید ارتادی نداشته ولی به شعر یزید فوق‌العاده ارادتمند بوده، و در اشعار یزید همین مضامین تحقیریه هرچه ممتا و اخلاقی و معانی دینی و مذهب است در قبال لذات و پرهز گریزی از طبیعت، در کمال صراحت آمده است، مثل این اشعارش که می‌گوید:

مَغشَّرَ التَّمَدَّنِ قُومًا

وَ اشْرَبُوا كَأَنَّ مَدَامَ
مخصوصاً وقتی که به این امور دعوت می‌کنند، توأم می‌کند یا نافی معانی.

شَفَّئْتَنِي نَعْمَةَ الْعِبَادِ

وَ تَعَوَّضْتُ عَنِ الْجُورِ

شخصاً کسی که به مفاد عربی آگاه هستند می‌دانند چه دارد می‌گویند: خلائی اندکی از آن را ترجمه می‌کنم. می‌گوید: "دوستان، ندیمان، یازباید، صدای موسیقی را اغنیها را گوش کنید، جام می‌دامم بنوشید و ذکر مرادم."
"عجوز" در زبان عربی کنایه از خود گفته‌آمورده‌شود. همین مضامینی که ما می‌بینیم در کلمات عرفای خودخواه ملته خود به بی‌عدایت و بسجده و اول خورش حرفها زاید پیدا می‌شود در مقابل بی‌دبی و نوشی که خود آنها می‌گویند و در کاملاًشناختن باطن شیطان است نسبت به اجتماع، که گور پدر اجتماع، هرچه بود! وظیفه گر برسد مفرضن دلگ و تبت. "یونید" یونید پرسد و ما برویم، آبگلی و نیدی و از این حرفها، دیگر بزرگ دریا، هرچه می‌خواهد در دنیا بگذرد.

البته همه شعرهای دیگری به‌همین حال درآمدند.ابوئاس که یک شاعر اهوازی الاصل است و شاعر سبسیار توانایی است در عربی، یک بیت شاعری استادانه‌بعدها به اصطلاح جزع شووت و خوف خلفا شدند یعنی جزو وسایل و ابزارهای عیش و نوش و شرف و اشراف و اعیان و رجال گردیدند، که وقتی می‌خواستند دستگاه عیش و نوش داشته باشند، از جمله کسانی که به این احتیاج بودند، بنده گوماه، شاعرانه و کسانیکان و کس مضنونهای عالی و لطیف می‌گویند برای اینکه شین آنها مکمل کنند. این کمشایی که حافظ را به نحو مادی تفسیر می‌کنند، مطابق آن است: حافظ چنین سخنهایی بیرون می‌آورد و می‌گوید: شوق افراخته از حافظ که برگماید هستت که این برگه کمه این بیچاره دار بیشتر تدبیر می‌کند و آن است که در یکی از غزلهایش که در ترتیب این دیوان (دیوان قزوینی) اولین غزل او قرار گرفته است، بلکه همان اولین بینی حافظ را این شروع می‌شود، یک مصراعش از یزید است:

لا یا ایها الساقی ادر کأساً و ناولها
عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکها

مصراع اول می‌گویند از یزید است، منتها مصراع او این‌طور بوده: "اِدر کأساً و ناولها الا یا ایها الساقی" و مخرجش چنین است:

اِدر اَسْمَومَ ما عَدنی تیرِیاق و لراق

توجیه اهلی شیرازی در استفاضة حافظ در شعر یزید
اینجا یک برگه یزیدی‌گری علیه حافظ بیچاره درست می‌شود و اینها بعدها شعرا آمدندند شعر عذر خواسته‌اند، بعضی‌ها دیگر به حافظ ایراد گرفته‌اند که تو چرا این‌ها را یزید گرفته‌ای؟ در این خصوص:

عرفان و شعر حافظ در بیان استاد شهید مرتضی مطهری

به مناسبت ۲۰ مهرماه، روز بزگداشت حافظ



حافظ و قرآن

حالا ما برویم ببینیم که مطلب چیست؟ آیا واقعاً همین جور است؟ دیوان حافظ همین‌طور باید تفسیر شود؟ اگر دیوان حافظ یکنواخت می‌بود و همه اشعار حافظ همان جورهایی بود که ما نمونه‌هایی را در آنجا می‌تختف دادیم، می‌فکتم: همه، چه مانعی دارد که بعضی حافظ را جستجو یبوده‌د، حالا از حافظ برای یک "لسان‌الغیب" و یک برد خیلی عالی و قدیس ساختنند، خوب اشتباه کرده‌اند چون تاریخ که چیزی را نشان نمی‌دهد، عوام این حرف را می‌زنند، دیوانش هم که سراسر این است، پس حافظ اساساً همین هم هست، بیش از این هم چیزی نیست. ولی این طور زیاده‌روی نیست و همه اشعار حافظ آن جور نیست، اگر ما این‌طور درباره حافظ قضاوت کنیم و حافظی پیدا نخواهد ما را به اگر کسی بگوید: جوابی در برابرش ندارم.

ما که می‌خواهد درباره حافظ از روی دیوانش قضاوت کند که بحت ما فعلا در این است، ما تاریخ حافظ را قبلاً بحث کردیم) مثل شعر شاعر دیگری، باید تمام این دیوان را از اول تا به آخر در نظر بگیرد، کند: بلاشک درباره قرآن کریم ما داریم که "الْقُرْآنُ یُعِزُّشَ رَبَّعُمَّا بَعْضَی" یعنی از قرآن مفسر بعضی هست) و خود قرآن برای خودش "مشطوری" بیان کرده و "وَالَّذِی اَنْزَلَ عَلَیْكَ الْکِتَابَ مِمَّۤهٓ اَیَّاتٍ مُّحْکَمَاتٍ حُرُمًا لِّمَنْ کَانَ اَخْبَرَ سُبْحٰنَیْهِمَا فَطَمَآ الَّذِیْنَ فِی قُلُوْبِهِمْ زَیْجٌ فِیْئْتِیْمُوْنَ مَا کُنْتُمْ اِیَّاهُ وَ الْفِئْتَةُ وَ اِیْمَآةٌ تُؤْمِنُ" ۳" و خود قرآن این باب را برای اولین بار باز کرده، یعنی متشابه گویم و محکم گویم و اینکه آن هم محاکمات‌الکتاب باشد

پس مرتجع همه کتاب باشد و می‌میاست باشد برای متشابهات. ما درباره قرآن هم اگر بخوایم بعضی از آیات آن را استخراج کنیم و بعد همانها را مفاصل قرار بدیم، چیزی در می‌آید غیر از آنچه که خود قرآن می‌خواهد، و اغلب کنایه‌های مهم همین‌طور است که نمی‌شود انسان قسمتی از آن را بعضی از آن را بگیرد و تفسیر کند.حافظ در کتاب خودش یک کلید به دست ما داده است و آن کلید این است که کلماتی به نام "شراب" که کلمات همه نشان می‌دهد که می‌خواهد بگوید من مردی از این تئیم: مثل کلمه "عارف، کلمه صوفی" ۳؛ کلمات مقدس در حافظ از قبیل سالک، عارف، طریق، طریقت، روزه، مرشدی، پیر، اینها نشان می‌دهد که این دیوان از تئیم دیوانهایی است که عرفا تنظیم کرده‌اند، در زبان عربی و در زبان فارسی.

ما قول باید برویم سراغ عرفا بطور کلی، حافظ را ما نمی‌توانیم از عرفا جدا کنیم و تفسیر کنیم، چنین چیزی مجال است. مابوی را در می‌توانیم از عرفا جدا کنیم و تفسیر کنیم. تفسیر حافظ باید تفسیری باشد در ضمن تفسیر عرفا. خوبیها یا بدیهیهایش در همه این سده‌ها نشود. پس ما باید یک نقلی سه همه عرفا بکنیم، ببینیم آیا در عرفای ایران گونه حرف زن بود یا نبوده‌ام ما می‌بینیم به اصطلاح امروز سبلیک حرف زدن - یعنی با الفاظ و کلماتی که هر کلام رمز یک معنات سخن گفتن - امری بود که عرفا قبل از حافظ در بیان عرفای اسلامی، اعم از عربی گوی و فارسی گوی، رایج بوده. اختصاص به حافظ ندارد، عرفا قبل از حافظ بوده و خوششان هم در جاهای دیگر مخرج می‌کردند که این کلمات، رمز و اصطلاح است و ما از اینها یک معانی خاصی در نظر داریم. این نه به حافظ اختصاص دارد، نه به قرن باغی و نه به زبان فارسی، که اگر ما بخوایم دنبال این مطلب را بگیریم خیلی دنباله پیدا می‌کنند: من همان قدر که شما بپایند این مطلب به حافظ

فهرست

عرفان و شعر حافظ در بیان استاد شهید مرتضی مطهری

به مناسبت ۲۰ مهرماه، روز بزگداشت حافظ

اصلاً او برای او شرح داد و توبه کرد: "قلما سمعه الذک المکتاب تبار الی‌الله سبحانه تعالی و رجح عن الانکار علی القفراء" وقتی که آن منکر شرح مرا شنید توبه کرد از اینکه بر قفرا انکار کند - و ما یانون به فی اقاویلهم من القول و التنبیس" اینکه آنها در غزلیانشان تشبیب می‌کنند کلیت دارد. "تشبیب" یعنی مطلب خوشدانش را به نام یک مشقوق و یک محبوب آغاز می‌کنند ولی هدف چیز دیگری است. مثلاً قسیده بزرده که از صوبیری است و از عالی‌ترین و پرسوزترین و با اخلاص‌ترین قصایدی است که در اسلام گفته شده، چگونه شروع می‌شود؟ با غزل شروع می‌شود. یک مقدماتی دارد، هفت هست قسمت است و بعد وارد مدح رسول اکرم می‌شود و خیلی قصیده عالی و عجیب هم هست، ولی چگونه شروع می‌کند:

مَزَّجْتُ دَمْعًا جَرِي مِنَ مَهْلَةً بَدَمِ
أَمْ هَبَّتِ الرِّيحُ مِنْ تَلَقَّاءِ ظَافِمَةٍ
وَ اَوْضَحَّ التَّبْرُقُ فِي الظُّلَمَاءِ مِنْ اَضْمِ

مثل کسی که درباره یک مشقوق ظاهری دارد حرف می‌زند. همین شعرای خودمان که بعدها مدح حضرت امیر و حضرت امام حسین - و... را گفته‌اند، اول از زلف و رخ و این حرفها می‌گویند، بعد وارد مدح علی می‌شوند.

أیا شیخ بیهایی هم ایکوریست است؟

... ما می‌بینیم افرادی در این زمینه‌ها شعر گفته‌اند که درباره هرکه بشود احتمال دارد درباره آنها دیگر نمی‌شود احتمال این حرفها را داد. مثلاً شیخ بیهایی، قنیه عصر و شیخ الاسلام زمان خودش، از این حرفهای رندی به اصطلاح، آن قدری که در کلمات حافظ آمده در کلمات او هم

آمده، کمتر نیامده، مثل این شعرهای معروفش می‌گوید:

دین و دل به یک دین باخیزم
در قمار عشق ای دل کی بود پشیمانی

سجده بر بتی دارم، راه مسجدم شما
کافر به عشقم من کجا مسلمانی

ما ز دوست غیر از دوست قضایی نمی‌خواهم
حور و جنسای زاهد بر تو باد ارزانی ۶"

زاهدی به میخانه سرخو ز می‌دیدم
گفتنش کجانی باد ارمنی مسلمانی

خانه دل ما را از کرم عمارت کن

پیش از آنکه این خانه رو نهد به ویرانی

عرفان و شعر حافظ
اگر شعرهایی که گفته‌اند، فقهایی زمان و مراجع تقلید زمان در این زمینه‌ها گفته‌اند، همانها را بخوایم جمع کنیم، مثل شعرهای مرحوم میرزا محمدتقی شیرازی و شعرهای مرحوم آقای "۷"، خودش یک داستان می‌دارد، که دیگر خیلی معطلان نمی‌کند، ولی خوشم می‌آید که شعرهای از استاد خودمان علامه طباطبائی سلمه‌الله تالی را برای شما بخوانم، ببینید که این مفسرین مادی حافظ اینجا چه می‌گویند. ایشان می‌گویند:

همی گویم و گفته‌ام بارها

بود کیش من مهر دلدارها "۸"

پرستش به سستی است در کیش مهر

رویند زین جرگه هشیبارها

به شادی و آسایش و خواب و خور

نزداندن کاری دل افکارها

نیانسد به دست گرفتارها

کشیدند در کوی دلدلدارگان

میان دل و کام دیوارها

چه فرهادها مرده در دلدلدارگان

چه دلدار فکنده است به چاتم شوری

چه آدلچها رفته بر دارها

مگر توده‌هایی ز پندارها

ولی وارمردان و ارستانگان

نیازند هرگز به مردارها

همین مهرورزان که ازآداندند

بریند از دام جان تارها

به خون جگر آغشته و رفته‌اند

چه گلهای رنگین به جوبارها

بهاران که شبایش ریزد سپهر

به بامان گلشن ز رگبارها

کنند رخت سبزه به هامون و دشت

زند باره گل به گلزارها

جمهوری اسلامی

اخلاق اسلامی (۳۴)



عشق و محبت – نفرت و عداوت

جهان آفریده عشق است و با عشق زندگی می‌کند.

حدیث شریف قدسی می‌فرماید:

«کُنْتُ كَسْرًا خَفِيْفًا فَاجْتَنِبْ أَنْ تُعْرِفَ

فَقَلَّقْتُ الخلقَ بَکي اَعْرِفُ»

من گنجی بنهان بودم، دوست داشتم شناخته شوم، پس موجودات را آفریدم تا مرا بشناسند.

بنابراین حدیث شریف، عشق و آشنایی دلیل آفرینش جهان هستی است. خدا می‌خواست مخلوقات باشند که او را بشناسند و دوست بدارند، او نیز مخلوقات را دوست داشت.

آشنایی بین همه موجودات عالم برقرار باشد، از این جهت غریزه و طبیعت عشق و آشنایی و میل به معرفت و دوستی را در نهاد همه موجودات ساری و جاری نمود تا همه جهانیان یکانه و یک انگشت شوند و خداوند یگانه و یگانه را بشناسند.

در جمادات آنها- و ملوکولها به هم می‌پیوندند و اجسام را می‌سازند، در گیاهان و حیوانات و انسانها سلولها به هم می‌پیوندند و آنها را تشکیل می‌دهند، با اینکه عالم از ذرات بی‌نهایت تشکیل شده اما این ذرات آنچنان دست در آغوش یکدیگر داده‌اند که تماما یک واحد به هم پیوسته را تشکیل می‌دهند. به طوری‌که گویا همه یک خانواده و یک تن واحد هستند. اگر کوچکترین ذره در یک تکه عالم جابجا شود در همه عالم آتشی می‌گردد، همه اجزاء عالم به یکدیگر محتاج و دست اندر کار تامین نیازهای یکدیگرند.

اگر یک ذره را بر بگریزی از جای

این همه به خاطر کشش طبیعی و عاطفی است که خداوند در نهاد هر یک از موجودات گذارده و آنها را بهم پیوند داده است.
خداوند مثلی از عشق و دوستی را در جهان هستی ایجاد فرموده که یک ضلع آن در محبت خود و موجودات و یک ضلع آن در محبت و وابستگی موجودات به یکدیگر و ضلع سوم آن را عشق و محبت همه موجودات عالم به خداوند تشکیل می‌دهد.

و الی‌الله العصیر. کردنی همه موجودات به سوی اوست.

ادامه دارد...

سند مالکیت خودرو تویوتا پرادو مدل ۲۰۱۲ به رنگ سفید و شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷	سند کارخانه اتومبیل سواری برلاید چابک مدل ۱۳۸۰ به رنگ سفید مشی به شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷
سند مالکیت خودرو تویوتا پرادو مدل ۲۰۱۲ به رنگ سفید و شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷	سند کارخانه اتومبیل سواری برلاید چابک مدل ۱۳۸۰ به رنگ سفید مشی به شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷
سند مالکیت خودرو تویوتا پرادو مدل ۲۰۱۲ به رنگ سفید و شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷	سند کارخانه اتومبیل سواری برلاید چابک مدل ۱۳۸۰ به رنگ سفید مشی به شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷

سند مالکیت خودرو تویوتا پرادو مدل ۲۰۱۲ به رنگ سفید و شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷	سند کارخانه اتومبیل سواری برلاید چابک مدل ۱۳۸۰ به رنگ سفید مشی به شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷
سند مالکیت خودرو تویوتا پرادو مدل ۲۰۱۲ به رنگ سفید و شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷	سند کارخانه اتومبیل سواری برلاید چابک مدل ۱۳۸۰ به رنگ سفید مشی به شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷
سند مالکیت خودرو تویوتا پرادو مدل ۲۰۱۲ به رنگ سفید و شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷	سند کارخانه اتومبیل سواری برلاید چابک مدل ۱۳۸۰ به رنگ سفید مشی به شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷

سند مالکیت خودرو تویوتا پرادو مدل ۲۰۱۲ به رنگ سفید و شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷	سند کارخانه اتومبیل سواری برلاید چابک مدل ۱۳۸۰ به رنگ سفید مشی به شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷
سند مالکیت خودرو تویوتا پرادو مدل ۲۰۱۲ به رنگ سفید و شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷	سند کارخانه اتومبیل سواری برلاید چابک مدل ۱۳۸۰ به رنگ سفید مشی به شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷
سند مالکیت خودرو تویوتا پرادو مدل ۲۰۱۲ به رنگ سفید و شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷	سند کارخانه اتومبیل سواری برلاید چابک مدل ۱۳۸۰ به رنگ سفید مشی به شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷

سند مالکیت خودرو تویوتا پرادو مدل ۲۰۱۲ به رنگ سفید و شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷	سند کارخانه اتومبیل سواری برلاید چابک مدل ۱۳۸۰ به رنگ سفید مشی به شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷
سند مالکیت خودرو تویوتا پرادو مدل ۲۰۱۲ به رنگ سفید و شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷	سند کارخانه اتومبیل سواری برلاید چابک مدل ۱۳۸۰ به رنگ سفید مشی به شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷
سند مالکیت خودرو تویوتا پرادو مدل ۲۰۱۲ به رنگ سفید و شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷	سند کارخانه اتومبیل سواری برلاید چابک مدل ۱۳۸۰ به رنگ سفید مشی به شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷

سند مالکیت خودرو تویوتا پرادو مدل ۲۰۱۲ به رنگ سفید و شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷	سند کارخانه اتومبیل سواری برلاید چابک مدل ۱۳۸۰ به رنگ سفید مشی به شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷
سند مالکیت خودرو تویوتا پرادو مدل ۲۰۱۲ به رنگ سفید و شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷	سند کارخانه اتومبیل سواری برلاید چابک مدل ۱۳۸۰ به رنگ سفید مشی به شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷
سند مالکیت خودرو تویوتا پرادو مدل ۲۰۱۲ به رنگ سفید و شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷	سند کارخانه اتومبیل سواری برلاید چابک مدل ۱۳۸۰ به رنگ سفید مشی به شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷

سند مالکیت خودرو تویوتا پرادو مدل ۲۰۱۲ به رنگ سفید و شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷	سند کارخانه اتومبیل سواری برلاید چابک مدل ۱۳۸۰ به رنگ سفید مشی به شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷
سند مالکیت خودرو تویوتا پرادو مدل ۲۰۱۲ به رنگ سفید و شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷	سند کارخانه اتومبیل سواری برلاید چابک مدل ۱۳۸۰ به رنگ سفید مشی به شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷
سند مالکیت خودرو تویوتا پرادو مدل ۲۰۱۲ به رنگ سفید و شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷	سند کارخانه اتومبیل سواری برلاید چابک مدل ۱۳۸۰ به رنگ سفید مشی به شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷

سند مالکیت خودرو تویوتا پرادو مدل ۲۰۱۲ به رنگ سفید و شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷	سند کارخانه اتومبیل سواری برلاید چابک مدل ۱۳۸۰ به رنگ سفید مشی به شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷
سند مالکیت خودرو تویوتا پرادو مدل ۲۰۱۲ به رنگ سفید و شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷	سند کارخانه اتومبیل سواری برلاید چابک مدل ۱۳۸۰ به رنگ سفید مشی به شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷
سند مالکیت خودرو تویوتا پرادو مدل ۲۰۱۲ به رنگ سفید و شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷	سند کارخانه اتومبیل سواری برلاید چابک مدل ۱۳۸۰ به رنگ سفید مشی به شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷

سند مالکیت خودرو تویوتا پرادو مدل ۲۰۱۲ به رنگ سفید و شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷	سند کارخانه اتومبیل سواری برلاید چابک مدل ۱۳۸۰ به رنگ سفید مشی به شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷
سند مالکیت خودرو تویوتا پرادو مدل ۲۰۱۲ به رنگ سفید و شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷	سند کارخانه اتومبیل سواری برلاید چابک مدل ۱۳۸۰ به رنگ سفید مشی به شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷
سند مالکیت خودرو تویوتا پرادو مدل ۲۰۱۲ به رنگ سفید و شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷	سند کارخانه اتومبیل سواری برلاید چابک مدل ۱۳۸۰ به رنگ سفید مشی به شماره انتظامی ۴۵-۱۳۳۴۰۹ و شماره شناسی ۴۸-۲۹۷۸۵۰۵۶۰۹۷